

افشاگری های یک بسیجی سابق...

حکومت اسلامی تاکنون یک قدم در راه اعتلای ایران بر نداشته است. اصلاح طلبان که بعضا از دوستان اینجانبند یک دروغ بزرگ بودند، این حکومت، حکومتی غصبی، غیر ایرانی و ضد ایرانی است، اصلاح آن تنها با حذف آن امکان پذیر است. همه آنچه گفتم را شما می توانید با یک نگاه از بیرون ببینید، تمامی بنیادهای امام خمینی؛ جانبازان، مستضعفان، بنیاد شهید؛ کمیته های امام، سپاه پاسداران، بسیج و... همه و همه برای پاسداری از خود آنهاست

محمود ح - بسیجی سابق. تهران

یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۸۳ - ۱۳ ژوئن ۲۰۰۴

هموطنان ارجمند، زنان، مردان پیران جوانان دروهای صمیمانه یک ایرانی را که سر در گرو این مرز و بوم دارد بپذیرید. اینجانب به خاطر وظیفه شغلی ای که دارم در جریان پشت پرده امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستم. گرچه بسیاری از هموطنان دیگر چه آنها که سر در سودای این مرز و بوم دارند و چه آنها که تنها و تنها در فکر چپاول هر چه بیشتر منابع پولی و اقتصادی و ضایع کردن و حتی نابود کردن منابع فرهنگی و تمدنی این آب و خاک هستند نیز از کم و کیف قضایا آگاهی دارند؛ ولی اینجانب با رای زنی چندی با دوستان می خواهم به شما صاحبان اصلی این کشور هشدار دهم. هشدار من البته هشدار است که اگر به جد گرفته نشود بهای بسیار سنگینی را به بار خواهد آورد. بهائی که کمترین آن چندین برابر مصیبتی است که بسر عراق و عراقی آمد.

حکومت کنونی ایران با داشتن کمتر از ده درصد پشتیبان صد در صد قدرت را قبضه کرده است. نفاق و تقیه حتی در بالاترین سطح رهبران ایران چنان عظیم است که هیچ کس به هیچ کس اطمینان نمی کند. همه در دشمنی بر هم از هم سبقت می گیرند. از نظر اقتصادی حاکمان بر قدرت با پول نفت و سایر درآمدهای کشور همچون اشغالگرانی که بر یک کشور دشمن استیلا پیدا می کنند عمل می کنند. هر آخوندی از پول نفت سهمیه ای دارد که به فراخور اینکه آیت الله باشد یا حجت الاسلام، امام جمعه باشد یا مرجع تقلید، نماینده مجلس باشد یا فرمانده پاسدار و بسیج، آقا باشد یا آقا زاده، اطلاعاتی باشد یا ضد اطلاعاتی تقسیم میشود. و آنها هم بنوبه خود عمده و نکره و پاسدار و بسیجی و محافظ و نگهبان دارند و بیا برو. بخش مهمی از پول نفت را راهزنانی در راه آمدن از اروپا و ژاپن و دیگر کشورها میزدند. این دزدی ها اغلب به حسابهای بانکی آقاها و آقا زاده ها در اروپا و ژاپن و حتی چین و تایلند و کشورهای حاشیه خلیج فارس و حتی آمریکا و اریز می شود. جالب است بدانید که گروهی از فرزندان آقاها و آقا زاده ها و وابسته گانشان و با همه مرگ بر آمریکا گفتن احمقانه اشان در مدارس آمریکائی و انگلیسی و در هر کشوری که توانسته باشند حتی کشورهای خلیج فارس در حال تحصیلند. وفور پول و تجملات در خانه های این افراد چه در ایران و چه در کشورهای دیگر بحدی است که در این خانواده ها حالت اشباع و دلمردگی و بی رغبتی به فرهنگ و علم را بوجود آورده است. برای همین نیز با خرج میلیونها دلار در هر ماه کمتر نتیجه ای حتی برای خود این غارتگران بدست آمده است. و اینک بخاطر خطری که این آقایان احساس کرده اند درصد بزرگی از آنها در یک کشور خارجی به تهیه مسکن و گشایش حسابهای مختلف بانکی پرداخته اند. در این حسابهای گوناگون مبالغ هنگفتی واریز شده تا هم به خرید و فروش سهام پرداخته شود و هم برای روز مبادا از آن استفاده شود و هم اینک برای آنها سود آور باشد. آنها در هر معامله ای که با کشورهای خارجی انجام می دهند بدون هیچ شرم و حیائی بقول خودشان حق العمل می گیرند و حق العمل یعنی رشوه اسلامی حلال و طیب و طاهر. تنها برای نمونه بدانید که رهبری دستور داده بوده تا برای جابجا شدنهایش یک هواپیمای ضد گلوله خریداری شود. طرفهای فروشنده تعجب کرده بودند زیرا هواپیمای ضد گلوله تا کنون حتی برای آنهاست که سازنده آنها هستند وجود ندارد! چه برسد برای رهبری همه معطل مانده بودند که چگونه به رهبری حالی کنند که بابا هواپیما اگر ضدگلوله شد خیلی سنگین می شود و براق نیست که بتواند آقا را جابجا کند، البته اینجانب از مقامات بسیار بالا این مطلب را شنیده ام. ادامه مطلب ضدگلوله بودن یا نبودن هواپیمای اعلاحضرت را نتوانستم بشنوم چون می بایست مرخص می شدم. ولی دلایان هواپیما که یک هواپیمای دست دوم ولی بقول آن دلاله و قیح آقا نایب امام زمان «یک چیز دبش و عالی ست» را از یک کشور برادر مسلمان و عرب در همسایگی ایران خریده اند. هواپیمای خلافتی، برای اینکه این اعلاحضرت ما جای آن شیخ پیامبرگونه بنشیند و در آسمان جولان دهد. تا اینجای ماجرا زهر خنده آور است! ولی لطفا بدانید که در این معامله سیزده میلیون دلار دزدی شده، دوستان نایب آقا امام زمان کلای آقا را برداشته اند، ولی چون آقا خودشان هر روز و هر ساعت کلاه مردم ایران را بر می دارند و جیب پر پولی دارند از این بادها نمی لرزند. دو خبرنگار در مظان اتهامند زیرا دوستانی در حاشیه بیت نایب امام زمان خیر را به آنها داده اند و آنها هم با هزار بار رقیق کردن آن را نوشته اند که گویا در دربار نایب آقا امام زمان چنین کارهایی از روزمرگی هاست. بدبختی بزرگ ملت ایران این است که متاسفانه هر بار که مورد تجاوز و یورش قرار گرفته کمتر باری بوده است که متجاوزین آن از فرهنگ حتی متوسطی برخوردار بوده باشند. این احتمالا از بدبختی همسایگی ماست با کشورها و مکتبهائی که آیشخور اصلی آن اسلامی عربی ست.

مسئله دیگر مسئله ضربه زدن بی وقفه به میراث فرهنگی ماست. گر چه شما هموطنان از چند و چون آن به صورت ظاهری

اطلاع دارید ولی باید بگویم تنها اگر نیروها و سربازان عراقی به ایران و حتی تهران وارد می شدند می توانستند بیشتر از این، از جامعه ایران ایرانیت زدائی کنند. من به عنوان نمونه به میدان نقش جهان اصفهان و آن برج کذائی اشاره کنم که بدستور صریح و اکید آیت الله خامنه ای و پشتکار شورای نگهبان و سکوت مرگبار و عمدی خاتمی به منظور تخریب پیشینه فرهنگی ایران انجام پذیرفت. در مورد افتخارات ملی ایرانیان حتی الامکان به آنها توهین و تحقیر و فحاشی شده است. بهترین کارکرد گروه های فرهنگی حکومت اسلامی این بوده که این افتخارات دست کم نادیده گرفته شوند. مثالها را نهائیتی نیست ولی شما می توانید برای نمونه به وضعیت نام و احترام به زرتشت و کوروش و داریوش و دیگر شاهان و فردوسی و دیگران ببینید و به ابعاد فاجعه پی ببرید. در مورد فروش دختران و پسران ایرانی خبرها بقدری جانسوز است که اگر ایرانیان بر علیه این پدیده حکومت اسلامی قیام نکنند حتما به نوعی دامن همگی شان را خواهد گرفت. شاید باور کردنی نباشد ولی روحانی «بزرگوار» از دفتر رهبری با شوخ طبعی خاص خودش می گفت: «ما که آخوند زیاد داریم چند آخوند را هم برای هر محموله جنس می فرستیم تا حلالتر شود...»!! آخوندهای مستقر بر کرده این ملت همه چیزش را می فروشند و خرج خودشان و ماندن خودشان می کنند حتی دختران و پسرانش را. و وای بحال ملتی با آنهمه سابقه فرهنگی و تمدنی و با آنهمه ادعا اگر یک روز عموما به خیابان نیاید و بساط آخوندیسم و اسلامیسیم را در هم نیچد.

در مورد سیاست باید بگویم که کشور کوروش و داریوش و خشایار و شاهان ایران امروز بدست تعزیه گردانان و آخوندهائیس که از راه صدقه سری و خیرات و مبرات و تلقین خوانی و روضه خوانی برای هیئت ها ارتزاق می کردند. اینان حتی حاضرند برای یک پست و مقام پوست یکدیگر را بدرند و اگر نبود تهدید مردم، صد برابر امروز بروی هم شمشیر و قداره و تفنگ می کشیدند و یکدیگر را تکفیر تلحید می کردند و مشرک و مرتد می نامیدند. اینان امروز وارد بازی بسیار خطرناکی با دنیای متمدن شده اند. در حقیقت این دنیای متمدن است که با ما و این آقایان بازی می کند و سرانجام هم بریش و گیس ما خواهد خندید. با انتخاباتی که در ایران برقرار شد اهل عالم دانستند که این آقایان بیشتر از پنج درصد مفید رای دهنده با آنها نیست. بنا بر این با کش و قوس هائی که در حال شدن است ما را یک راست به حمله نظامی آمریکا رهبری می کنند. امریکا اگر چه برای بدست آوردن حمله نظامی به عراق دچار مشکل بود و آلمان و فرانسه و چند کشور اروپائی و روسیه موی دماغش بودند ولی برای حمله به ایران با هیچ یک از این مشکلات روبرو نیست. رژیم اسلامی، حکومت امام زمانی، سلطنت اسلام ناب محمدی چنان دماری از مردم ایران در آورده که در کوچه و خیابان و بازار و تاکسی و اتوبوس و مدرسه و دبیرستان و دانشگاه و حتی مسجد در پاسخ اینکه آمریکا اگر به ایران حمله کند؟؟ اگر نگویند الهی که بکند! اگر نگویند خدا کنه! اگر نگویند پس کی! یا هیچ نمی گویند و یا لبخند می زنند. و اینهمه را رهبران ایران با کشتن، با سرکوب کردن، با بدار زدن، با سنگسار کردن، با گسترش فحشا با دست داشتن در خرید و فروش مواد مخدر، با دست داشتن در خرید و فروش و حراج دختران و پسران ایرانی در کشورهای خلیج فارس و پاکستان و حتی در آلمان، با شلاق زدن، با قتل های زنجیره ای با خوراندن نجاست به احمد باطبی، با قتل عام زندانیان سیاسی در سال 1367، با ازاله بکارت دختر بچه ها توسط پاسداران برای آماده شدن برای مرگ با زندانی و شکنجه و تجاوز به زهرا کاظمی، با داشتن هزاران زندانی سیاسی، با زندانی کردن و شکنجه کسانی حتی از دوستان خودشان همانند اکبر گنجی، عباس عابدی، هاشم آعاجری و منوچهر و اکبر محمدی با کشتن سعیدی سیرجانی، با کشتن احمد تقضلی با کشتن دکتر کاظم سامی، با سربریدن داریوش پروانه فروهر و احمد غلامی با قتل مجید شریف با قتل محمد مختاری با قل محمد جعفر پوینده، با ناپدید کردن و حتمی قتل پرویز دوانی، با زندانی کردن ناصر زرافشان و هزاران دیگر و با ممنوعیتهای اجتماعی که زانیده هزاران بد اخلاقی و مفسد و فحشاء اجتماعی شده فراهم کرده اند. آری رژیم اسلام ناب محمدی اصولا با اینکارها حمله به ایران رال تدارک دیده است و برای تیر خلاص زدن به مغز خودشان و هم ملت ایران دست به تقلبی هنگفت و به فتوای شرع در انتخابات زد. این تقلب بزرگ که حتمی تاریخ ایران آثرا بیاد خواهد داشت زمینه ساز دخالت حتمی خارجی در ایران خواهد بود. دخالتی که یک بار دیگر فاجعه عظیم جنگ های ایران و روس و فتوای آروز آخوندهای مرتجع را بیاد خواهد آورد. آنچه که باعث بدبختی ست این است که برخی از این آقایان که خود را اصلاح طلب هم می دانند می فهمند ولی اولاً در چنگال رهبری و شورای نگهبان گرفتارند، و اگر از آن نیز رهائی یابند اسلام به آنها این اجازه را نخواهد داد. آنها خواهان پرداخت ایرانند در ازای نگهبانی و نگهداری اسلام. یعنی در واقع نباید یک مو از سر اسلامشان کم شود ولو اینکه ایران نابود گردد. و اینهمه از نامه حجت اسلام خاتمی برای فردا قابل رویت است.

هم میهنان ارجمند، حکومت اسلامی تاکنون یک قدم در راه اعتلای ایران برنداشته است. اصلاح طلبان که بعضا از دوستان اینجانبند یک دروغ بزرگ بودند، این حکومت حکومتی غصبی غیر ایرانی و ضد ایرانی ست، اصلاح آن تنها با حذف آن امکان پذیر است. همه آنچه گفتم را شما می توانید با یک نگاه از بیرون ببینید، تمامی بنیادهای: امام خمینی؛ جانبازان، مستضعفان، بنیاد شهید؛ کمیته های امام، سپاه پاسداران، بسیج و... همه و همه برای پاسداری از خود آنهاست. از آنجا که آنها خودشان بطور طبیعی می دانند که غاصبند برای خودشان اینهمه حصار دفاعی برقرار کرده اند. تازه این صورت ظاهر قضیه است صورت باطن آن این است که هر آخوندی برای خودش و برای محافظت خودش کلی برو بیا دارد، سازمان امنیت دارد، حتی میر غضب دارد، دست میبرد، چشم در می آورد سنگسار می کند و... آخوند دیگر نیز بخاطر حفظ حرمت فرقه ایش هیچ نمی گوید چون او نیز به نوبه خود و در جای دیگری عملی مشابه می کند... انواع مشروبات الکلی را خود سپاه پاسداران در سطح ایران و خصوصا تهران پخش می کند، آنچه را گاهی کشف و ضبط می کنند آنهاست ست که از دایره کنترل آنها خارج می شود. پاسداران برای تحویل یک کامیون یا یک نیسان یا دو سه یا چهار و ده و بیست کارتن ویسکی و دکا و ده ها بطری

رنگارنگ دیگر است. بیست درصد این بطری ها از کشورهای برادر و مسلمان ترکیه و خلیج فارس می آیند که اغلب مارکهای اصلی هستند و در بازار هم توسط فروشندگان آن به همین نام شهرت دارند؛ هشتاد درصد آن مارکهای تقلبی ست که از روسیه و کشورهای مجاور شمال و روسیه می آیند، آنها غالباً مارکهای آمریکائی و فرانسوی و انگلیسی قلابی دارند و از روسیه و از راه شمال و مرز آستارا می آیند، اخیراً الکهای برادران چینی نیز از واردات آفازاده هاست پاسداران که اغلب از فرمانبرداران آقاها و آفازاده ها هستند آنها این محموله ها را اسکورت می کنند. تا مبادا، مثلاً فلان نیروی دیگر آنها را بازدید کند. از کارهای دیگر سپاه پاسداران تولید نوشیدنی های الکلی ست، جالب است بدانید که شوهر خواهر یکی از معاونان بیسواد ولی پر معمای علی اکبر و لایبی که در مدت معاونتش زورکی دیپلم گرفت و در یکی از خانه های مصادره ای سلطنت آباد زندگی می کند وارث یکی از کارخانه های تولیدات الکل نوشیدنی زمان شاه است آنها آنرا تولید می کنند و اغلب برای کشورهای آفریقائی با کشتی می فرستند. ولی در این میان برای استفاده داخل نیز وارد عمل می شوند و آنها با وانمود کردن اینکه ساخت هم میهنان ارمنی ست وارد بازار می کنند. از اینها عجیب تر و خطرناکتر اینکه گروهی که خود را «سپاه رهبر مطهر» می نامند و سرانشان از نگهبانان سابق بیت رهبریند برای انتقام گیری و تولید رعب وحشت (ارعاب و ارهاب بقول خودشان) از مصرف کنندگان الکل و شرابخواران و بقول خودشان پاکسازی جامعه دست بتولید نوشابه های الکلی کشنده و سمی می زنند. در مورد مواد مخدر هم همین طور است، آنها خودشان گاهی تولید کننده و بیشتر وارد کننده و توزیع کننده آن هستند آنها خواسته یا ناخواسته در پی هر چه معتادتر کردن جامعه هستند تا جامعه رمق حرف زدن و تظاهرات و دادخواهی و حق خواهی نداشته باشد. طبق آمار سری داخلی که خود اینجانب نیز بدان دسترسی داشته ام پنجاه و سه درصد از جمعیت بالای پانزده سال دست کم یک بار تریاک کشیده است. و این در حالی ست که گاهی کودکان نیز طعم آنها چشیده اند! و در ضمن طبق گفته یکی از کسانی که این امار را تهیه کرده است در مملکت ما کسی کمتر در مورد اعتیاد خودش و خانواده اش صادقانه حرف می زند نفاق و دورویی حتی اینجا نیز هست. این آمارگر می گفت بارها شده است که کسی که در خماری و وحشتناکی گرفتار بوده از اینکه اعتیاد خود را برسمیت بشناسد امتناع می کرده است. در هر حال حدود چهل و پنج درصد ایرانیان بالای پانزده سال بصورت تقنی تریاک می کشند، بیشتر از سی و پنج درصد با نکشیدن احساس کمبود می کنند، و حدود سی درصد تریاکی معتادند. چنانکه یک بار برایتان نوشتم تریاک کشی در همه اقشار مردم ایران بشدت در حال پیشروی ست، از دکتر و مهندس و فیلسوف و شاعر و بازاری و روشنفکر و روزنامه نگار گرفته تا کارگر و بیکار. اینجانب خود شاهد تریاک کشی گروهی حتی ده بیست نفره از رجال سیاسی و فلسفی بوده ام در خانه یکی از فیلسوفان بسیار بنام، و تازه این تنها تجربه مشاهداتی من نیست! واقعیت در ایران آخوند زده این است که امروز ما باید در پی کسی باشیم که در ایران معتاد نیست، زیرا شدت اعتیاد به هرئین و خصوصاً تریاک به حدی ست که گاهی انسان باور می کند در این مملکت همه تریاکیند! تنها یک عزم ملی با پشتوانه مردمی می تواند فقط جلو چنین فاجعه ملی را بگیرد. اینجانب خود در سیرجان و کرمان، در زاهدان در شهر زلزله زده بم در انار، در مرودشت شاهد گونی های سه خط حاوی تریاک بودم. در کرمان سه گونی بزرگ سه خط از وانتی پیاده شد روی زمین منتظر مانده بود تا وانتی دیگر بیاید و آنها را ببرد. برادری که برای مدتی در کرمان ماموریت داشت و خود دلی پر خون دارد به من فهماند که در آنها تریاک است. اصولاً چون آقایون روحانیون از مصرف کنندگان پروپا قرص تریاکند و آیه و سوره ای در قرآن بر علیه آن نیامده نمی توانند مخالف مصرف تریاک باشند. خود رهبری از مصرف کنندگان یومیه تریاکند و این مطلب آنقدر روشن و بر ملاست که آنها همه می دانند. آنها تریاک کشی یومیه رهبری را با تجویز پزشک رهبری توجیه می کنند. ولی دوستانی که آن پزشک را می شناسند می گویند آن پزشک کسی نیست مگر پدر وحید گرجی که خود او هم تریاکی ست. وحید گرجی که از دوستان بسیار نزدیک حاج احمد معتمدی وزیر مخابرات و فن آوری و از تروریستهای بود که بعد از بمب گذاری در فرانسه و همکاری با انیس نقاش برای کشتن شاپور بختیار و کشتن تعدادی فرانسوی از فرانسه فرار کرد و امروز در تهران یک شرکت کامپیوتری معظمی بر پا کرده است، گویا او حتی به فرانسه نیز رفت آمد دارد، با اینهمه تجارت او بیشتر با کشورهای خاور دور و المان است. لازم به یادآوری ست که گروه وحید گرجی و انیس نقاش سرانجام توانستند سر شاپور بختیار و چند نفر دیگر را در پاریس ببرند.

مردم ایران باید بدانند که اگر یک روز و به همین زودی شجاعانه در خیابان نیاید و کار این حکومت را یکسره نکند بطور قطع و یقین سرگذشتی بهتر از مردم عراق نخواهد داشت. عراق حتی یکی از ترورهای حکومت اسلامی را در جهان نکرده بود، عراق باعث قتل آمریکائیها فرانسویها و انگلیسی ها در لبنان در ظهران عربستان نشده بود، عراق با غرب ضدیت احمقانه نداشت، عراق تا قبل از حمله متحدین با القاعده رابطه ای نداشت، با طالبان هم همین طور ولی ایران همه این کارها را کرده و همه این رابطه ها را هم دارد! هزار و یک دلیل هست که به ایران حمله کنند، که برای حمله به عراق وجود نداشت و بالاخره به عراق حمله کردند.

ایرانی: دانشجو، زن، مرد، پیر، جوان، معلم، کارگر، کارمند، دکتر، مهندس، اینهمه صبر بس است اینهمه ترس بس است، من به عنوان یک از درونی ترین افراد این نظام به شما هشدار می دهم که ما یک سره بسوی نابودی می رویم اگر امروز قیام نکنید و این ملایان قرون وسطائی را از صحنه سیاست ایران بر کنار نکنید فردا روزگاری به مراتب بدتر از عراقیها خواهید داشت. بهوش آئید!! بهوش!! اینجانب این نوشته را از سر درد و با خطر نوشته ام آنها بدست دیگران برسانید.

محمود ح بسیجی سابق تهران جمعه پانزدهم خرداد هشتاد و سه